



گفت‌وگو با هادی نائیجی، کارگردان فیلم «آنتیک»

«آنتیک» تجربه هم‌اکنون جامعه ایران

ناصر احدی

وقتی کارگردانی تغییر مسیر می‌دهد، باعث تعجب می‌شود. برای نمونه، کارگردانی که همیشه اکشن ساخته، اگر درامی خانوادگی بسازد، این سؤال پیش می‌آید که چرا تغییر ژانر داده؟ چرا سراغ موضوعی جدید رفته؟ سؤال مهم بعدی این است که چه چیزی او را به این تغییر مسیر مجاب کرده؟ مناسبات تولید او را به سمت دیگری برده یا خواست گیشه در این تغییر مسیر نقش داشته یا تجربه مسیری نخواست خود کارگردان بوده؟

درواقع همه این سؤالات به‌طور ضمنی این پرسش را مطرح می‌کنند که چرا او از حیظه امنش یا بیرون گذاشته است؟ هادی نائیجی هم که امسال با فیلم سومش «آنتیک» در جشنواره چهل و سوم فجر حضور دارد، قبلاً

ببین «آنتیک» و فیلم قبلی شما که اپیزودی از فیلم ۱۴ اپیزودی «هیپات» بود، تقریباً ۹ سال فاصله بوده. چرا ساخت فیلم سومتان آن قدر طول کشید؟

بعد از فیلم سینمایی «هیپات» می‌خواستم ساخت سریال را تجربه کنم و درگیر ۲ سریال شدم که از نقطه صفر تا قبل از فیلمبرداری برای هر کدام زمان زیادی از من صرف شد؛ یکی با موضوع تاریخ اسلام و دیگری با موضوع تاریخ معاصر و متأسفانه در هر دو سریال در آستانه فیلمبرداری به دلیل اختلاف نظر در نهایی شدن متن فیلمنامه از پروژه کنار کشیدم. ملاحظه بفرمایید هر کدام فقط پس از مرحله تصویب تا زمان فیلمبرداری چقدر زمان از من گرفت. ۲ ساخته قبلی شما، «حق سکوت» و «هیپات»، هر دو مایه‌های مذهبی داشتند و خود شما با مصاحبه‌هایی که انجام داده‌اید به عنوان سینماگری ارزشی شناخته می‌شوید. ساخت فیلم کمدی با موضوعی ظاهراً حساس و با حضور پژمان جمشیدی توسط شما خیلی‌ها را غافلگیر کرده. جبر زمانه شما را به ساخت فیلم کمدی متقاعد کرد یا خواست خودتان بود؟

منظور شما از مصاحبه‌هایی که کردم را نمی‌فهمم؟! به عنوان فیلمساز درباره موضوعات فیلمم توضیح دادم. درباره خودم حرف زدم؟ نه. این تقسیم‌بندی ارزشی و غیرارزشی را هم درک نمی‌کنم. همه فیلم‌سازان، طبق قوانین جمهوری اسلامی فیلم می‌سازند و پایبند به ارزش‌های ملی و مذهبی این مملکت هستند و اعتقادات فردی یک فیلمساز در خصوص حضور صنفی و اجتماعی‌اش نباید مارا گرفتار دوگانه‌نگاری

۲ فیلم ساخته است. فیلم اولش «حق سکوت» (۱۳۹۲) درباره طلبه‌ای است که چکی دست یک شرخر دارد و فیلم دومش اپیزودی از فیلم ۱۴ اپیزودی «هیپات» است که به موضوع عاشورا می‌پردازد. حالا او در فیلم سومش تغییر مسیر داده و فیلمی کمدی که در دهه ۱۳۶۰ می‌گذرد ساخته است. این تغییر مسیر می‌تواند محصول شرایط کنونی سینما باشد که فقط کمدی‌ها می‌فروشند و طبیعتاً هر کارگردانی که دوست دارد فیلمش در گیشه موفق باشد، سراغ ساخت کمدی می‌رود. البته شاید دلایل دیگری هم در کار باشد. در فشرده‌گی روزهای جشنواره، سؤالاتمان را به‌طور مکتوب برای نائیجی فرستادیم و او هم به‌صورت مکتوب به پرسش‌هایمان جواب داد. گفت‌وگوی مفصل‌تر که به جزئیات بپردازد می‌ماند برای زمان اکران عمومی فیلم. دست به نقد این گفت‌وگوی مکتوب شاید جوابی مختصر به چرایی تغییر مسیر نائیجی در سینما باشد.

کند. فیلم سینمایی «آنتیک» یک فیلم ایرانی است در نظام مقدس جمهوری اسلامی. «آنتیک» از حضور ۲ چهره سینمای کمدی یعنی پژمان جمشیدی و بیژن بنفشه‌خواه سود می‌برد که هر دو در ژانر کمدی تثبیت شده‌اند و ذهنیتی را با خودشان به هر فیلمی که بازی می‌کنند می‌آورند. این دو بازیگر در فیلم شما چقدر به کارهای قبلی‌شان شبیه هستند؟

بی‌تردید توانایی بازیگر از تجربیات و فیلم‌های گذشته‌اش هم اهمیت دارد. تلفیق ویژگی‌های

بازیگر از فیلم‌های قبلی‌اش به علاوه آنچه در «آنتیک» به دست آمده خاستگاه ما بوده. بالاخره تماشاگر برای بازیگر محبوبش هم وارد سالن می‌شود و قرار نبود به این خواسته پاسخ ندهیم. کار کردن با ستاره‌های مثل جمشیدی چطور تجربه‌ای بود؟

تا به این تاریخ، عموم تماشاگران آقای جمشیدی را دوست دارند و فروش فیلم‌های ایشان در کنار بقیه تخصص‌هایی که یک فیلم را فیلم می‌کند یکی از همان نشانه‌هاست. آقای جمشیدی بازیگر بسیار باهوشی است که در تعامل با دیگر عناصر مؤثر یک فیلم اگر به نتیجه برسد حتماً فیلم، فیلم خوبی می‌شود. مادر «آنتیک» به نتیجه خوبی رسیدیم. کمدی‌های دهه ۱۳۹۰ که به دهه ۱۳۶۰ می‌پردازند، معمولاً موقعیت‌های تراژیک آن دهه را دستمایه خنده قرار می‌دهند و به آنها انتقاد می‌شود که واقعیت را وارونه جلوه می‌دهند یا اصلاً از کنار واقعیت‌ها رد می‌شوند. فیلم شما چه تفاوتی با آن کمدی‌ها دارد؟

چون تسلطی بر همه فیلم‌ها ندارم نمی‌توانم نسبت به نکته‌ای که شما مطرح می‌کنید حرف بزنم اما ما در «آنتیک» علاوه بر مراقبت از روایت رئالیستی تاریخ معاصر سعی کرده‌ایم موضوع را فراتر از دهه ۶۰ پیش‌روی تماشاگر قرار بدهیم. موضوع «آنتیک» می‌تواند تجربه هم‌اکنون جامعه ایران باشد.

جشنواره فجر معمولاً به کمدی‌ها چندان روی خوش نشان نمی‌دهد. فکر می‌کنید در داوری فیلمتان بختی برای کسب جایزه دارید؟

مهم‌ترین ثمره جشنواره هم‌نشینی اهالی سینما در محضر مردم عزیز ایران است، «سی مرغ» مظهر همان ملت نزدیک به ۱۰۰ میلیون ایرانی داخل و خارج است که دل‌شان برای ایران می‌تپد و قرار است با هم به قله قاف عزت و آرامش برسیم.



تیغ و ابریشم

امیدها و آرزوها

مسعود پویا

درخشش جوانان

جشنواره فیلم فجر سال‌هاست که بیشتر میدانی برای حضور جوانان شده تا آوردگاهی برای بزرگان. تقریباً هیچ جشنواره‌ای را در جهان نمی‌توان سراغ گرفت که هر سال بخش عمده‌ای از فیلم‌هایش سهم کارگردان‌های فیلم‌اولی باشد. اینکه در یک دهه اخیر چند کارگردان با فیلم اولشان به سینما آمدند و در ادامه راه چقدر امکان تداوم حضور یافتند، خود موضوعی است قابل بررسی که می‌تواند گزارش تحقیقی مستقلی هم باشد. جدای از این نکته امیدبخش درباره فیلمسازان جوان، کارنامه سپیدشان است؛ کارنامه‌ای که می‌تواند این امید را در دل تماشاگر ایجاد کند که شاید قرار است با یک استعداد نوظهور سینمایی مواجه شود؛ اتفاقی که مثلاً در دوره سی و چهارم فجر با فیلم‌های «یستاده در غبار» و «ابد و یک روز» افتاد و یا در دوره سی و هشتم که «شنای پروانه» به جشنواره هیجان بخشید. امیدواریم امسال هم از دل همین فیلم‌های اول که شاید کسی زیاد رویشان حساب باز نکند، پدیده‌های چشمگیری بیرون بیاید که هیچ چیزی به اندازه کشف استعدادها تازه در سینما هیجان‌انگیز نیست. در دومین روز برگزاری جشنواره به امید درخشش فیلم‌اولی‌ها به استقبال فستیوال می‌رویم.

آبروداری بزرگان

جشنواره فیلم فجر هر قدر هم از سر اجبار یا اختیار به جوانان روی خوش نشان دهد، باز هم در حد بضاعت (که این بضاعت در هر دوره‌ای متفاوت است) میزبان فیلم‌های کارگردان‌های سرشناس می‌شود. امسال ۳ کارگردان متعلق به سینمای دهه ۶۰ در جشنواره فیلم دارند؛ ابراهیم حاتمی‌کیا با «موسی کلیم‌الله»، رسول صدرعاملی با «زیبا صدایم کن» و ابوالفضل جلیلی با فیلم «داد». تجربه آخرین حضور این کارگردان‌ها در جشنواره فجر (که در مورد جلیلی به سال‌های دور بازمی‌گردد) خیلی موفقیت‌آمیز نبود. برای تماشاگران پیگیر جشنواره، احتمالاً هیچ حسی به اندازه مغبون شدن از تماشای فیلم ضعیف یک کارگردان نامدار، تأثیربرانگیز نیست.

به‌نظرم برای حاتمی‌کیا که روزگاری نبض جشنواره با فیلم‌هایش می‌تپید هم مهم است که تماشاگران آخرین ساخته‌اش راضی از سالن بیرون بروند یا برای رسول صدرعاملی که روزگاری با دلی جوان‌تر از تمام هم‌نسلانش فیلم می‌ساخت، اهمیت دارد که بر لب دوستانداران «من ترانه» لبخند رضایت بنشانند و ابوالفضل جلیلی که پس از سال‌ها از حاشیه به متن آمده، جشنواره امسال می‌تواند فرصتی برای درخشش دوباره‌اش باشد.